

ظهور وافول سلسله‌ صغاری در ایران-۲

تولد یعقوب لیث

جمشید مظفری

■ علاوه بر شورش‌های مقطعی که در شماره پیشین به آن اشاره شد، این جنبش‌ها هم زمینه‌ تعمیق و گسترش را داشتند. غیر از نهضت‌هایی که خوارج عامل آن بودند و از سال‌ها قبل در سیستان آن را ایجاد کرده بودند و بارها هم توسط نیروهای اموی و عباسی سرکوب شده بودند، خیزش اجتماعی دیگری در آن خطه سامان یافته و شکل گرفته بود که جنبش فتوت یا عیاران نام داشتند؛ آنان دارای یک سازمان اجتماعی بودند فتوت یا جوانمردی مسلک گروهی از صوفیه است که در قرون نخستین اسلامی در بسیاری از نقاط سرزمین‌های اسلامی مورد توجه شماری از مردم واقع شد.
وصول به درجه جوانمردی و شناخت ماهیت آن کمال مطلوب گروه‌هایی از جامعه به ویژه جوانان بوده است. اهل فتوت یا فتیان گروهی از عوام بودند که به آداب و رسومی خاص «یین فتوت» پایبندی داشته‌اند. این آیین که در حقیقت شاخه‌ای عامیانه از صوفیه و کمتر آن اصول عرفان و خودسازی اخلاقی در روش‌های فردگرایانه آن بوده، بیشتر بر تعالیم اجتماعی آن از جمله دستگیری از بیچارگان و درمان در ماندگان و یاری مظلومان تکیه داشته است.
در خلال سال‌ها و قرن‌ها، رساله‌های فراوانی تحت عنوان «فتوت‌نامه» آموزش و تبلیغ آیین فتوت را عهده‌دار شده‌اند.اغلب این رساله‌ها، پایه و اساس و مرام خود را با منابع دینی و آموزه‌های مذهبی پیوند زده‌اند.
دیدۀ انسان از آغاز خاوندن متعال خودوصف ارباب فتوت به هدایت و اسمن ایمان کرد و فرمود: انهم فینه امنوا بر بهیم و زندها هم حدی وربطنا علی قلوبهم» هم چنین در بابو ار آنان ابراهیم ولیه جوانمرد «ابوالفتیان» و مظهر فتوت بوده است.
ویژگی‌های جوانمردان را وفای به عهدو وعده، راستگویی، قیام به شرایط برادری و اخوت و سعی یلیغ در برآوردن جوانب و دور ساختن مشکلات و سختی‌ها و وجود آنان حتی با بدل جان و مال ذکر کرده‌اند.
حفظ اسرار از اغیار فروتنی در برابر مساکین و یتیمها و غفلت و درشتی با گر ندیشان و اقویا از دیگر بر جستگی‌های اخلاقی اهل فتوت به شمار می آمده است.
گروهی از عیاران تحت هدایت فردی به نام یعقوب لیث قدح در اه مبارزه با ستمگران و جباران نهاده بودند. یعقوب در خانه‌ای محقر و در خانواده‌ای معمولی چشم بـر جهان گشود؛ زادگاه وی قرین شهری کوچک اما تاریخی بوده، آثاری از آخور، رخت، اسب رستم، در آنجادیده می شده است.
یعقوب بر گزین پسر لیث بود و پس از وی سه برادر با نام‌های عمر، طاهر و علی واری خانواده شدند.انتقال به رزنگ، فضای تازه‌ای را پیش‌روی پدر خانواده و پسران او می گشاید. گویا در این شهر لیث با محافل عیاری آشنا می شود و به آنان می پیوندد.
دکان روبگری لیث مرکز آمد و شد عیاران شهر می شود و وی احمالـ بر تعدادی از آنان ریاستی می یابد و در این شهر یعقوب شغل پدری، روبگری را، پیشه کرد و یافتن و آن آشنا شد.
اشغال به روبگری ضمن آنکه یعقوب را فردی سختکوش و مقاوم بار آورده با محافل و مجامع عیاری نیز مر تبط ساخت. سخاوت و علو طبع و همت بالا سه ویژگی بر چسبه اخلاقی یعقوب بود که در بیشتر منابع تاریخی بر آن تصریح شده است.
شایستگی‌های اخلاقی و توانایی‌های مدیریتی یعقوب پیش تازی او را بر همگنانش در تمامی مراحل زندگی سبب شد که وی گروهی از جوانان را به خود متوجه سازد. و برای دستیابی به اهدافش به سازماندهی آنان بپردازد.
در ابتدا شمار نفارت یعقوب را دو یست نفر بر شمرده‌اند. اما افزایش تعداد آنان حکومت شهر رزنگ را متوجـش ساخت به طوری که فکـرشـای نظامی‌اش متوجه آنان شد.
یعقوب و یارانش ناچار به ترک شهر و گریز به سوی بست شدند در آن سال‌ها شهر بست منشأ گرفتاری‌های فراوانی برای والی سیستان بود؛ گروه‌های پر شمار مطوعه در این شهر مرزی از اسلام که از سیاست‌های آشتی جوانه حاکم سیستان به تنگ آمده بود و ستمگری‌های پسران او را نیز بر نمی تافتند بارها سر به شورش برداشتند. یعقوب با کمک عیاران ابتدا شهر بست و سپس شهر رزنگ را متصرف شدند. سپس به تدریج موفق شدند تمام سیستان را در تملک و تصرف خود در آورند. اما هنوز دو نیروی قدرتمند در داخل سیستان حضور داشتند و هر آن ممکن بود برای او خطر ساز شوند، حاج بن نصر همچنان قدرت را در اختیار داشت و دیگری نیروی خوارج بود که یعقوب به آنان نیز گرفتار بود. در ضمن عدای از افراد و سپاهش به سر کردگی حامد سرناوک علیه او شوریدند و به سختی توسط یعقوب و هوادانش سرکوب شدند.
یعقوب پس از سامان دادن به امور داخلی مقابله با صالح بن نصر و خوارج را در سرلوحه برنامه‌های خویش قرار داد. در حقیقت یعقوب ناچار به مقابله با آنان بود. اگر او اقدام نمی کرد، دشمن بر او پیش دستی می کرد، او با تیزهوشی و زیرکی این اقیـمیت را در یافته بود و همواره می گفت «اگر من بیارم مرادست باز ندارند» با این حال روشن بود یعقوب، توان مبارزه همزمان در دو جبهه را ندارد گرچه خطر صالح را جدی تر دید ابتدا تصمیم گرفت به ترک مخاصمه موقت با خوارج دست یابد. لذا پیامی صلیحی را برای خوارج فرستاد و با آنان صلح کرد. در جمادی الثانی سال ۴۲۸ هجری با حرکت به سوی شهر بست طی چند نبرد و تصرف غافلگیرانه شهر رزنگ از سوی نیروهای صالح سرانجام در برابر یعقوب شکست می خورد و به ناچار از «تبیل» کمک می گیرد؛ پس از نبردی مرگبار در حدود «رح» و غرب قندهار و بهره گیری از حیلـه‌ای موثر کمک‌های «تبیل» را بی اثر ساخت و تبیل همراه بسیاری از فرماندهان و سربازان اش جان خود را بر سر این کار نهادند.

نگاهی به تاریخ ژاپن از دور ترین زمان تا کنون-۲

جنگ در شرق دور



جنگ چین و ژاپن بر سر موضوع کره

دولت ژاپن طی پیشرفت صنعتی که طی بیست و هفت سال به آن نائل شده بود احتیاج مبرم به مواد خام و اولیه صنعتی داشت. از جانب دیگر دولت ژاپن و چین از دیر زمانی با یکدیگر بر سر تصرف شبه جزیره کره اختلاف داشتند. بالاخره قرار شد دو کشور به‌طور مشترک این سرزمین را اداره کنند. چینی‌ها ژاپنی‌ها هر دو ضمن آنکه در شهر سنول (پایتخت فعلی کره جنوبی) قوای مشترکی داشتند، در حوزه‌های استعماری خود نامی نتوانستند از منابع زیرزمینی استفاده می کردند. در ۱۸۹۴ در زمان نخست‌وزیری دوره دوم، «هیروبو می-ایتو» با مذاکرات سیاسی سعی کرد که چین را از فرستان قوای نظامی بیشتر به کره بازدارد ولی آن دولت موافقت نکرد و جنگ سالارآن ژاپنی این موضوع را بیانه قرار دادند و بی درنگ به کره لشکر کشیدند. قوای چینی شکست خورده بنادر شرق چین را تسخیر کردند و به پکن حمله بردند اما ناچار دولت چین از دولت‌های اروپایی و آمریکا تقاضای میانجیگری کرد و با واسطت دیپلمات‌های اروپایی و آمریکایی عهده‌نامه «شی-مونوزکی» (shimonozki) در یکی از بنادر ژاپن بین دو طرف منعقد شد (۱۷ آوریل ۱۸۹۵) بنادر طبق پیمان وی -های-وی (wei-hai-wei)، پرت از تور که نام اصلی آن لشون است)، جزیره فرمز (تایوان) را از چین گرفت و علاوه بر آن مبلغ زیادی غرامت نیز اخذ کرد. جنگ چین و ژاپن بر سر شبه‌جزیره کره، امپراتوری ژاپن را تبدیل به یک دولت نیرومند کرد و دولت ژاپن در نظر داشت به منابع عظیم زغال سنگ و منابع پیش شرقی و خاور دور روسیه را نیز به دست آورد لذا این طمع‌ورزی جنگ بین ژاپن و روسیه را اجتناب‌ناپذیر می کرد. شوش‌های صلح خواهانه «هیروبو می-ایتو» که همواره طرفدار حل مسالمت آمیز اختلافات و در مداخلات با مردم آنها بود به جایی نرسید تا آنکه این رجل سیاسی نظامی که به عنوان نماینده ژاپن مقیم در کره انجام وظیفه می کرد به دست یک میهن پرست کره‌ای کشته شد.

جنگ روسیه و ژاپن بر سر منچوری

در ژاپن و روسیه جنگ سالارانی بودند که قصد شعله‌ور کردن آتش جنگ بین دو کشور را داشتند. ژنرال کورو یاتکین (kouropatkin)، رییس ستاد ارتش روسیه از یک طرف و ژنرال «اریتو مویاماگاتا» (aritomo-yamagata) که وولتمرد کهنسالی بود که در اصطلاح زبان ژاپنی کنرو – ce (ero) معروف بوده و از چهار دهی متنفذ صحنه سیاست ژاپن بود فرماندهی ستاد مشترک ارتش ژاپن را بر عهده گرفت لذا دو طرف منتظر بهانه‌ای بودند. دولت ژاپن در فوریه ۱۹۰۴ ضمن اولیتما توم دادن به روسیه از آن دولت خواست قوای خویش را از خاک منچوری خارج سازد زیرا وجود این ارتش تهدیدی برای ژاپن بود، چون دولت روسیه از این کار امتناع کرد جنگ به وقوع پیوست. در ریاسالار «توگو» (togo) ۲۶ فروند کشتی جنگی که ژاپن در این دوره کوتاه تحول صنعتی پیدا کرده بود ۲۷ مه ۱۹۰۵ طی یک نبرد دریایی همه ناوگان روسیه در تنگه استراتژیک «تسو شیم» را به قعر دریا فرستاد و در جنگ زمینی ۱۲ هزار سرباز روسیه تزاری کشته و ژنرال کورو یاتکین روسی دچار شکستی شد که از این رهگذر روسیه در مجامع بین المللی دچار سر افکندگی گردید. دولت روسیه از روی ناچاری از دولت آمریکا تقاضای میانجیگری کرد لذا نمایندگان دو طرف در بندر «پرتسبورت» (Petersort) از بنادر آمریکا در پنجم سپتامبر ۱۹۰۵ قرار دادی بین ژاپن و روسیه تزاری به شرح زیر منعقد شد:

۱- تمام شبه جزیره به ژاپن تعلق گرفت و مقرر شد که یک فرماندار کل از طرف میکادو در شبه جزیره کره حکمرمایی کند. بعد از اتمام این قرارداد قانونی از مجالس ژاپن به تصویب رسید که کره جزئی از خاک ژاپن شود و دولت ژاپن از منابع زیرزمینی این کشور در ترقی صنعتی خویش سود می جست.
۲- نصف جزیره сахالین که متعلق به روسیه بود به ژاپن واگذار شد. این جزیره که به موازات مجمع‌الجزایر کوریل قرار دارد که ژاپنی‌ها به آن «کارا فتو» (karaftuo) می گویند از ۱۹۰۵ تا ۱۹۴۵ در دست ژاپنی‌ها بود و ژاپنی‌ها نتوانستند از منابع نفت، زغال سنگ، گاز طبیعی و آهن که اساس صنعت مدرن است بهره بردند و در زمینه قدرتمند کردن ژاپن از آن بهره‌مند شدند و در ۱۹۴۵ طبق قرارداد یالتا از ژاپن پس گرفته شد و چهارصد هزار مهندس کارگر و صنعت کار ژاپنی به کشورشان بازگشتند.

۳- دولت روسیه خط آهنی را که در منچوری احداث شده بود به دولت ژاپن فروخت. بعد از این واقعه دولت ژاپن به تمام معادن شرق آسیا دست پیدا کرد و کمبودهای مواد اولیه کشور را بدین وسیله جبران کرد، شکست دولت بزرگی چون روسیه از ژاپن اثر بسیار ناگواری در جامعه روسیه بر جای گذاشت که عاقبت منجر به انقلاب در روسیه و سرنگونی تزار شد.

اوضاع ژاپن بعد از شکست روسیه از این کشور

تولید ژاپن فروخت. بعد از این واقعه دولت ژاپن به تمام معادن شرق آسیا دست پیدا کرد و کمبودهای مواد اولیه کشور را بدین وسیله جبران کرد، شکست دولت بزرگی چون روسیه از ژاپن اثر بسیار ناگواری در جامعه روسیه بر جای گذاشت که عاقبت منجر به انقلاب در روسیه و سرنگونی تزار شد.

تولید ژاپن فروخت. بعد از این واقعه دولت ژاپن به تمام معادن شرق آسیا دست پیدا کرد و کمبودهای مواد اولیه کشور را بدین وسیله جبران کرد، شکست دولت بزرگی چون روسیه از ژاپن اثر بسیار ناگواری در جامعه روسیه بر جای گذاشت که عاقبت منجر به انقلاب در روسیه و سرنگونی تزار شد.



محور (برلن- روم - توکیو) پیوست و چون ژاپن نمی توانست در یک زمان در دو جبهه با روسیه و آمریکا بجنگد، ۱۳ آوریل ۱۹۴۱ یک قرار داد عدم تعرض با روسیه شوروی امضا کرد، زیرا می دانست که در صورت جنگ با روسیه، مجمع الجزایر کوریل که یک منطقه استراتژیک و مرکز صید بهترین ماهی برای ژاپن است به دست روسیه خواهد افتاد. جزایر «کوریل» (kuril) مجموعه‌ای از پنجاه جزیره در شمال شرقی «هوکایدو» تا جنوب منطقه «کامچاتکا» متعلق به روسیه امتداد دارد و جزایر مهم آن عبارت‌ند: «اتورو فو»، «کوناشیری»، «هابومای»، «شیکوتان»، «آبه‌ای اطراف این جزایر سرشار از گله ماهی‌هایی از نوع سفید و آزاد است. خاک آن دارای ذخایر معدنی است و ارتش ژاپن برای دفاع از منطقه شمال ژاپن فرودگاه‌هایی ایجاد کرد که از شرق ژاپن جلو حملات آمریکا و از غرب آن جلو تهاجمات احتمالی شوروی گرفته‌شود.

کاینه ژنرال توپو و آغاز جنگ با آمریکا

در ۱۸ اکتبر ۱۹۴۱ ژنرال هیدکی توپو (Hideki tojo) کاینه‌ای مرکب از چهارده وزیر تشکیل داد که هفت تن از آنان از ژنرال‌های نیروی زمینی و دریاسالاران نیروی دریایی بودند. توپو (توجو) افسری خشن و نماینده تمام عیار طبقه ارتش اصل ژاپن بود که جنگ با آمریکا را ضروری می دانست. او یک سیاستمدار با تجربه مانند «توگو» (togo) افسر سابق ژاپن در مسکو و برلین را عهده‌دار وزارت امور خارجه کرد.

ادامه تاریخ ژاپن

ژنرال توجو (توپو) معتقد به اصول آیین «شین تو» بود که میکادو را دارای الهیه می دانست. او در ابتدای امر با بحران اقتصادی روبه‌رو بود. از آنجایی که کمپانی‌های ژاپنی همه امکانات خود را صرف تجهیز یک ارتش بسیار قوی با ناوهای هواپیمابر و هواپیماهای ترابری و بمب افکن کرده بودند و برای این کار ارتش نزدیک به دوازده میلیارد دلار، طلاهای ذخیره کشور را صرف کرده بود، ژاپن چاره‌ای نداشت به جز اینکه ارتش خود را برای جنگی آماده سازد که بتواند از ثروت‌های سرشار اندونزی در بیشتر جزایر اقیانوس آرام را تصاحب کند. در ۱۸ مارس ۱۹۴۱، به امتحان سربازان چهارده می دانست. دولت ژاپن قبل از حمله به «پرل هاربر» (Paerl Harbor) در «هاوایی» (Hawaii) که یک پایگاه مجهز دریایی آمریکا بود، اعلام کرد که حاضر است با دولت ایالات متحده بر سر محدودیت ناوگان دو طرف در اقیانوس آرام مذاکره کند. لذا نماینده خود «کورو سو» (Kurusu) را به واشنگتن فرستاد. در ۲۶ نوامبر ۱۹۴۱ وزیر خارجه آمریکا به نماینده ژاپن اظهار داشت، پذیرش هر نوع پیشنهاد ژاپن در گرو آن است که ژاپن نیروهای خود را از چین و منطقه هندوچین خارج کند. در ۷ نوامبر ۱۹۴۱ در دست روزی که ژاپن حمله به پرل هاربر را می خواست آغاز کند سفیر ژاپن طی یادداشتی به کاخ سفید اعلام کرد که دولت متبوع در خواست آمریکا را رد کرده است. هنگام تسلیم این یادداشت بود که ناوگان آمریکایی در راهوایی مورد حمله غافلگیرانه قرار گرفت.

اولین ضربه کاری به ناوگان آمریکا وشروع جنگ

ژنرال توپو، نخست‌وزیر کاینه نظامی ژاپن در یک روز قبل از حمله هواپیماهای ژاپنی به بندر «پرل هاربر» در جلسات هیات دولت گفته بود، آمریکا انگلیس خور دور را به ضرر یک میلیارد جمعیت آن استعمار کرده‌اند و ما اجازه نخواهیم داد. از آنجایی که فاصله پرل هاربر تا ساحل ژاپن ۱۷۵۰ کیلومتر است، فرماندهی آمریکا بعید می دانست که ناوگان آمریکایی مورد حمله ژاپنی‌ها قرار گیرد. در سپیده صبح و طلوع امباد ۷ دسامبر ۱۹۴۱ حمله برقی آسیای ژاپن به ناوگان آمریکا در هاوایی به وسیله ۲۰۰ هواپیما که از ناوگان هواپیما به ژاپن پرواز کرده بودند و همچنین پنج زیر دریایی و تعدادی ناوشکن مورد حمله قرار گرفتند که در نتیجه بخش اعظم ناوگان آمریکا در هاوایی و ۲۴۷ هواپیمای آمریکایی نابود شدند و در این حمله سه هزار ملوان و خلبان روی زمین کشته شدند. با این حمله جنگ جهانی دوم به اقیانوس آرام کشیده شد. ژاپنی‌ها از دکتین جنگ برق آسا استفاده کردند. در فاصله هفتم دسامبر ۱۹۴۱ تا دهم دسامبر، کشتی بزرگ انگلیسی، «پرنس اف- ولز» (Prinse of Wales)، از اقیانوس آرام غرق کرد و در برنو، مالزی، فیلیپین و تایلند قوای ژاپنی پیاده شدند و در

۱۹۴۲ مانیل پایتخت فیلیپین اشغال شد. ژنرال مک آرتور فرمانده نیروهای آمریکا در اقیانوس آرام وارد عمل شد. در ۱۹۴۲ نیروهای ژاپن بیشتر مجمع‌الجزایر اندونزی و حتی، تیمور شرقی را اشغال کرده و اکثر خاک چین و برمه را نیز تحت سیطره خود گرفت. ژاپن در ابتدای ۱۹۴۳ حدود یک‌ششم مساحت کل جهان را تحت سلطه خود درآورد. کشوری که همواره دستخوش آتشفشان و زلزله بوده و فاقد منابع طبیعی و معدنی بود بعد از حمله به پرل هاربر در مدت پنج ماه مناطق وسیعی را اشغال کرد که منابع مهم ثروت طبیعی مانند، نفت، کائوچو، قلع، مواد سلولوزی و محصولات غذایی که به حد کافی برای ژاپن در مناطق اشغالی یافت می شد. ژاپنی‌های خواستند، حتی استرالیا را نیز اشغال کنند ولی ارتش آمریکا و ناوگان بریتانیا به سختی از آن دفاع می کرد. در ۵ نوامبر ۱۹۴۳

در توکیو نخستین کنگره آسیایی بزرگ به ریاست ژاپن تشکیل شد و چون بیشتر کشورهای شرق آسیا در اشغال ژاپن قرار گرفته بود، نمایندگانی از برمه، تایلند، چین، تایوان، کره و مغولستان نیز در آن شرکت کردند.

عکس العمل آمریکا و انگلستان در برابر ژاپن

ارتش آمریکا برای مقابله با ژاپن ده هزار هواپیما و تعداد زیادی ناوگان جنگی وزیر دریایی به حوزه اقیانوس آرام برای جنگ با ژاپن اعزام داشت. فرماندهی قوای آمریکا در اقیانوس آرام با ژنرال «مک آرتور» (Mac-Arthur) و فرمانده منطقه شمالی برعهده ژنرال «نیمیتز» (Nimitz) بود. فرماندهی نیروهای انگلیسی در اواخر ۱۹۴۳ برعهده «لرد مونت باتن» (L- Montbatten) در برمه بود که جلونیروی زمینی ژاپن در شرق آسیا و هندوچین را اسد کند. از ۱۹۴۲ هواپیماهای وول پیکر به نام «فئ پرنده» (سوپرفوتر ترس) (- super for ersed) که قادر به اجرای سنگین ترین بمباران‌ها بود، بمباران توکیو و مراکز صنعتی و نظامی ژاپن را آغاز کردند. تلفات بمباران‌های هواپیماهای آمریکایی بسیار زیاد بود ولی مقاومت ژاپن نیز بی حد بود به طوری که ژنرال توپو از طریق رادیو توکیو به مردم ژاپن پیامی ارسال کرد و گفت: «ما بریدی در پیش داریم که به حیات و مامت ما بستگی دارد و چنین به نظر می آید که طولانی خواهد بود.» حمله ژاپنی‌ها به جزیره «میدوی» (Midway) با تلفات سنگین آمریکایی‌ها دفع شد. رر فوریه ۱۹۴۳ در منطقه «گوادال کانال» (- Guadal c nal) آمریکایی‌ها با دادن تلفات زیاد و غرق کردن یک کاروان از کشتی‌های ژاپنی آن ناحیه را تصرف کردند. از ۱۹۴۴ به بعد حملات آمریکایی‌ها هر روز شدیدتر می شد.

سایه شوم شکست بر سر اقیانبات تابان و تسلیم آن کشور
در تمام طول سال ۱۹۴۴ «کلیان» «میکاز» و «ساقطه‌های انتحاری روی کشتی‌های آمریکایی عرصه را بر سر ارتش آمریکا تنگ کرد ولی آمریکایی‌ها با دادن تلفات سنگین در ۱۹ فوریه ۱۹۴۵ تشنگداران خود را در جزیره «دو جیما» (dwo-jima) پیاده کردند و پرچم آمریکا را بر فراز آن به اهتزاز درآوردند. این جزیره در ۲۰۰ کیلومتری جنوب توکیو قرار دارد. در ۱۸ مارس ۱۹۴۵ به بعد، ۱۴۰۰ فرند هواپیمای بمب افکن مراکز صنعتی و نظامی ژاپن را بدون وقفه بمباران می کردند. راه‌های ارتباطی برای رسانیدن غذا و مواد مورد لزوم مردم مشکل شد به طوری که برنامه جدید دولت درباره نحوه زندگی مردم تغییر کرد. به طوری که از هر گونه داشتن زندگی تجملی منع شوند. اکثر قهوه‌خانه‌ها و کافه‌ها بسته شد. «کیشاه» (Gishas) که در مراکز تفریحی مردم را سرگرم می کردند برای کار به کارخانه‌ها و مزارع فرستاده شدند. صرفه‌جویی در غذا و پوشاک تابع مقررات انضباطی شدید نظامی شده بود. ژنرال توجو در جولای ۱۹۴۴ مجبور به استعفا شد و امپراتور، در ریاسالار «سوزوکی» (Suzuki) مبناره‌ور را در حالی به نخست‌وزیری انتخاب کرد که آلمان شکست خورده بود و روزولت مردمی بود و او را نشان دادن چراغ سبزی به آمریکا ضمن پیام تسلیمی که به مناسبت مرگ روزولت برای ملت آمریکا فرستاد، اعلام کرد که سیاست جاهلطمی آمریکا ژاپن را به ادامه نبرد مجبور کرده است. با این وصف در اواسط ژوئیه ۱۹۴۵ دو هزار هواپیما از نوع د پرنده فروشی از بمب‌های سنگین روی توکیو و شهرهای دیگر تلفاتی نزدیک به یکصد هزار نفر بر ژاپن وارد کرد. در ۱۷ ژوئیه ۱۹۴۵ طی کنفرانس «پوتسرام» نزدیک برلین اعلام با شرکت ترمن جانشین روزولت، استالین رهبر شوروی و اتلی نخست‌وزیر انگلیس از حزب کارگر برای تعیین تکلیف ژاپن تشکیل مقرر شد که روسیه شوروی به ژاپن اعلان جنگ داده و مجمع‌الجزایر کوریل را که بر طبق تصمیمات کنفرانس یالتا به روسیه داده بودند، تصرف کرد و با آنکه در ریاسالار سوزوکی در اولین اقدام خویش وزارت امور خارجه دولت آسیایی ژاپن را حذف و آن سازمان را ضمیمه وزارت امور خارجه ژاپن و اعلام کرد که منظور از ژاپن کبیر و دولت آسیایی بزرگ همان خاک اصلی ژاپن است. با این حال اعلامیه کنفرانس پوتسرام مبنی بر تسلیم بدون قید و شرط ژاپن از طریق هواپیما به وسیله اعلامیه‌هایی پخش می شد. در این اعلامیه‌ها سه نکته مهم وجود داشت: ۱- حذف رژیم نظامی ژاپن و خلع سلاح کامل ۲- تعطیلی صنایع جنگ و تسلیحات ژاپن ۳- باید حاکم ژاپن به چهار جزیره اصلی ژاپن محدود شود. در ۲۷ ژوئیه ۱۹۴۵ «دومای» خبرگزاری ژاپن اعلان کرد، انهدام کل کشور و مرگ را بر قبول پیشنهادهای کنفرانس پوتسرام ترجیح می دهیم. از جانب دیگر شدت گرفتن عملیات کامیاز که در منطقه او کیناوا و تلفات زیاد بر سربازان آمریکایی، دولت ایالات متحده را عصبانی کرد، به طوری که «ژرومن»، رییس جمهور آمریکا که بعد از مرگ روزولت به ریاست جمهوری رسیده بود، دستور داد آمریکا که تا آن تاریخ دو بمب اتمی در اختیار دارد از فرار هیروشیما و ناکازاکی به این دو شهر پرتاب کند. در ۶ اوت ۱۹۴۵ نخستین بمب اتمی روی هیروشیما پرتاب و در ۹ اوت بمب اتمی دیگر روی ناکازاکی پرتاب شد که در نتیجه ۲۰۰ هزار نفر کشته شدند و دولت ژاپن بدیختی جدیدی نیز دچار شد.

تقویم تاریخ

در چنین روزی

نوشیروان کیهانی‌زاده

■ **شکست نیروهای میر محمود قندهاری از قزوینی‌ها و نتایج آن**
۱۲ آوریل ۱۷۲۳ که نیروهای میر محمود قندهاری در تعقیب طهماسب میرزا، پسر شاه سلطان حسین، وارد قزوین شده بودند توسط قزوینی‌ها کشتار شدند و بیش از دو هزار کشته و تلفات دادند و مابقی به اصفهان گریختند و جریان را به میر محمود خبر دادند و وی از فرط خشم، بازماندگان خاندان صفوی و مقامات سابق را کشت.

طهماسب‌میرزا در آخرین روزهای محاصره اصفهان از این شهر فرار کرده بود. اصفهان در جریان جنگ داخلی ایران‌بان، در اکتبر ۱۷۲۲ به دست میر محمود افتاده بود. این جنگ نتیجه نابخردی و ضعف سیاسی شاه سلطان حسین و مغرض بودن اطرافیان وی بود. طهماسب‌میرزا که پس از قتل عام خاندان صفوی در اصفهان، به نام طهماسب دوم، شاه شده بود مانند پدرش بر تکب چند اشتباه سیاسی شد؛ از جمله اینکه به عثمانی امتیازهایی داد و با ورود روس‌ها به قفقاز موافقت کرد، به این شرط که این دو دولت از شاه بودن وی حمایت کنند! این اشتباه‌ها سبب شد که توسط داد- که فرمانده ارتش بود- بر کنار شود. نادر تعیین شاه بعدی را بر عهده بزرگان کشور و نمایندگان شهرها گذاشت که آنان در اجتماع خود در دشت مغان در آذربایجان، وی را به آن مقام برگزیدند.

سالمرگ اف. دی. روزولت، مردی که به رکود اقتصادی آمریکا پایان داد و آن را بر قدرت کرد

۱۲ آوریل سال ۱۹۴۵ فرانکلین دلانو روزولت که از ۱۹۳۳ رییس‌جمهوری آمریکا بود در ۶۳ سالگی بر اثر خونریزی مغزی (سکته) در گذشت و هری ترومن معاونش همان روز به عنوان سی و سومین رییس‌جمهور برجایش نشست.

روزولت که یک هلندی تبار آمریکایی بود از سال ۱۹۲۱ دچار بیماری polio و از ناحیه پایین بدن فلج شده بود. وی قیلافرماندار نیویورک بود. فرانکلین دی. روزولت تنها رییس‌جمهور در تاریخ ایالات متحده است که به علت ادامه جنگ جهانی دوم بیش از دو دوره این مقام را برعهده داشت. در گذشت روزولت در منطقه وارم اسپرینگ ایالت جورجیا اتفاق افتاد.

روزولت از حزب دموکرات، برای پایان دادن به رکود اقتصادی آمریکا و کاهش جاذبه سوسیالیسم شوروی در میان آمریکاییان، طرح‌ای چپ‌گرایه متعدد تحت عنوان «New Deal» را به اجرا درآورد، ازجمله تأمین بازنشستگی عمومی، پرداخت دستمزد از کارافتادگی و…

روزولت نخستین رییس‌فدراسیون آمریکا بود که اقدام به کنترل کاپیتالیسم این کشور کرد و بر سرمایه‌گذاری (بازار پول)، بانکداری و بورس سهام ضابطه وضع کرد که تعلیق این ضوابط (Deregulation) در دهه‌های اخیر بحران مالی جاری را به وجود آورد. روزولت نیز از جنگ برای اجرای هدف‌های خود استفاده کرد و با محاسبه‌های بسیار دقیق، در زمان مناسب (که پیروزی قابل پیش‌بینی بود) وارد جنگ جهانی دوم شد و آمریکا را از ایزولاسیون (انزوا) خارج و ابر قدرت کرد. ایالات متحده که تا قرن نوزدهم یک مهاجرنشین نسبتا کوچک و محدود به مهاجرنشین‌های انگلیسی ۱۳ گانه بود با جنگ و از طریق آن گسترش یافته و به این پایه رسیده است؛ از جنگ با سرخوستان با جنگ با مکزیک، اسپانیا، آلمان، ژاپن و… روزولت از فرستاندن نیرو به جبهه‌های جنگ جهانی دوم، از طریق افزایش ساخت اسلحه و تدارکات و فروش و واگذاری آنها به انگلستان عملا وارد مساعی جنگ شده بود و در زمانی مناسب (هنگام که آلمان عمیقا با شوروی درگیر شده بود) گام به حمله زد. روزولت کمتر از سه هفته مانده به پایان جنگ جهانی دوم (در جبهه اروپا) روی داد.

«ترومن» جانشین او که در جریان هدف‌ها و برنامه‌های روزولت بود، «دلار» را پول جهانی کرد و ابتکار روزولت در تأسیس سازمان ملل را به عنوان ابزاری برای اعمال قدرت فاتحان جنگ عملی کرد.

هدف روزولت از طرح تأسیس سازمان ملل این بود که امسور جهان در دست‌قدرت‌های

میی باشد. وی برای بقای قدرت غرب،

با کمک چریل، تاسیس «ناتو» (امطرح کرد که بعدها محلی شد و اینک تنها اتحادیه نظامی باقی مانده در جهان است (در برابر کدام اتحادیه؟!، معمولا یک اتحادیه نظامی در برابر گروه و اتحادیه‌ای دیگر تشکیل و پابرجا می ماند!